

از دفتر خبرگزاری دبیرخانه حزب ملت ایران

جمعه، سی اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۲

گزارش ویژه

جشنواره‌ی زادروز مصدق بزرگ

پنجشنبه، بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه، در برخورد هنگامی با یکصد و دوازدهمین سال زادروز مصدق بزرگ، در قلعه‌ی احمدآباد، که چندی زیستگاه و زمانی دراز زندان همیشه‌پیشوای ملت ایران بود و اکنون پیکرش در دل آن جای دارد، جشنواره‌ی باشکوهی برگزار گردید.

پاسی از ساعت نه بامداد گذشته، شماری از پایوران برجسته‌ی حزب ملت ایران گل‌بسته‌ی دبیرخانه‌ی آن را، که با سه رنگ سبز و سفید و سرخ و نشان ویژه آراسته بود، نثار آرامگاه همیشه‌پیشوای خود کردند و رزمنده‌ی دیرپا، خسرو سیف، گردانندگی کارهای این گردهمایی نمادین را با نظمی ویژه زیر نظر گرفت. سپس دکتر محمود مصدق با فرزند خود به قلعه‌ی احمدآباد آمد و، در آستانه‌ی اتاق آرامگاه، به سپاس‌گزاری از دیدارکنندگان ایستاد؛ و اندکی بعد، داریوش فروهر با تنی چند از یاران خود از گرد راه رسید و پس از فاتحه‌خوانی و گل‌گذاری به جمع حاضران پیوست. به تدریج دیگر چهره‌های سرشناس هوادار مصدق بزرگ و چند شخصیت سیاسی وابسته به نهضت‌ملی نیز به قلعه‌ی احمدآباد آمدند و یک گل‌بسته، که بر روی آن نوشته شده بود «نیروهای ملی»، و یک سبد گل از سوی «جاما» نیز در کنار مزار پیشوا گذارده شد.

نزدیک نیمه‌ی روز، شمار بسیاری از پایوران برجسته، هموندان، و هواداران حزب ملت ایران، که با چند خودروی بزرگ و کوچک از میدان تختی در تهران به راه افتاده بودند، به درون قلعه‌ی احمدآباد پا نهادند و در مزار پیشوا فاتحه‌خوانی و گل‌گذاری کردند.

ساختمان و صحن قلعه‌ی احمدآباد، که به تازگی زیر نظر استاد نعمت حاج‌رمضان بازسازی شده بود و خود نیز در آنجا حضور داشت، سپاس‌گزاری همه‌ی کسانی را که این رزم‌آور پرسابقه را می‌شناختند برانگیخت. در جای‌جای ساختمان و دیوارهای قلعه، پوسترها و شعارهایی که به فرخندگی زادروز مصدق بزرگ از سوی دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران تهیه شده بود به چشم می‌خورد؛ و کم‌کم سراسر باغ از انبوه دیدارکنندگان این «زیارتگه رندان» پر شد؛ و دقیقه‌هایی پس از اذان ظهر، پخش ناهاری که ناصر کلاری و محمد محمدی ارده‌الی، دو تن از بازاریان پیکارگر، فراهم کرده بودند آغاز گردید و گردآمدگان، از زن و مرد، روستایی و شهری، پیر و جوان، در صف‌های دراز به کنار دیگها رفته و غذای خود را می‌گرفتند.

ساعت دو بعدازظهر، در فضائی صمیمی، با صدای گرم آرمان‌خواه کوشا، محسن عبدلی، برنامه‌ی بزرگداشت پیشوا آغاز گردید و عبدالعلی ادیب برومند، سراینده‌ی نامی، شعری را که پس از کودتای بیست‌وهشت مرداد در ستایش از مصدق بزرگ سروده بود خواند. سپس دکتر شمس‌الدین امیرعلایی، تنها شخصیت

بازمانده از دوره‌ی آغازین جنبش‌ملی شدن صنعت نفت در درون کشور و برجسته‌ترین نقش‌آفرین خلع ید از غارتگران بیگانه در خوزستان، سخنرانی شورانگیز خود را با سپاس از حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر، که در برگزاری آیین زادروز پیشوا نقش نمایانی داشته، آغاز کرد.

دکتر شمس‌الدین امیرعلایی، که همواره رهرو راه پیشوا بوده است و از وزیری در دولت ملی با افتخار یاد می‌کند،

نخست سروده‌ی خود را به مناسبت «این روز مبارک» خواند؛ و سپس به ستایش زندگی فردی و اجتماعی میرزا تقی‌خان امیرکبیر و دکتر محمدمصداق، دو چهره‌ی درخشان تاریخ دو‌یست‌ساله‌ی گذشته‌ی میهن، پرداخت و از پاکدامنی، استواری، و خردورزی آنان نمونه‌هایی چند بیان کرد.

دکتر شمس‌الدین امیرعلایی در بخش دیگری از سخنان خود به سنجش پیشرفت‌ها و بهروزی‌های دوران نخست‌وزیری مصداق با واپس‌ماندگی‌ها و سیه‌روزرگاری‌های کنونی پرداخت و گفت: «در رژیم فعلی، استقراض از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و کشورهای مختلف سی‌میلیارد دلار است» و افزود: «همه می‌دانیم که دکتر مصداق دیناری از خارج قرض نکرد و، با اینکه درآمد نفت هم نداشت، مملکت را گرداند و، با کمک مردم و قرضه‌ی ملی و تدابیر دیگر، کاری شبیه معجزه کرد و اختلاس و ارتشاء هم در دستگاه او نبود.

«آنان که دوران دکتر مصداق را درک کرده‌اند به‌خوبی می‌دانند که، پس از ملی شدن شیلات، کامیون‌های ماهی سفید و آزاد در خیابان‌های تهران هر عدد به ارزش یک تا دو تومان به مردم فروخته می‌شد. یادش به خیر. امروز فقط حسرت ماهی آزاد را می‌خوریم، نه خود ماهی و در بازار شاید به قیمت دوهزار تومان هر عدد یافت شود. پیاز کیلویی یکصد تا یکصدوپنجاه تومان، گوشت شش‌صد تا هفتصد تومان فروخته می‌شود؛ ریال دیگر ارزشی ندارد و پول ما در حقیقت دلار است. دست‌اندرکاران چطور این واقعیت‌ها را توجیه می‌کنند؟ مسکن و سرپناه لاینحل شده، فقرا فقیرتر و مستضعفین مستضعف‌تر؛ اما توانگران غنی‌تر و سرمایه‌داران سرمایه‌دارتر شده‌اند. تورم کمر مردم را شکسته است و گرانی دمار از روزگار مردم درآورده است؛ اما عده‌ای در برابر چشمان بی‌نور مستضعفان نزدیک است بترکند، ان‌شالله! هیچ کاری در وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی بی‌ریشه‌ی پیش نمی‌رود، فساد نزدیک است فراگیر شود. رژیم شاه را فساد واژگون کرد. پس بپرهیزیم از تلاشی و تا زود است کاری بکنیم. گذشته چراغ راه آینده است، زور و ظلم علاج کار نیست؛ نه هر که دارد شمشیر حزب باید کرد / نه هر که دارد تریاق زهر باید خورد؛ که گفته‌اند: 'الملك يبقی مع الكفرو لا يبقی مع الظلم.'»

دکتر شمس‌الدین امیرعلایی در بخش دیگری از سخنان شورانگیز خود، که بارها با کف‌زدن‌های گردآمدگان روبه‌رو گردید، در راستای «عیب امتزاج دین با سیاست» به نقل از کتاب فلسفه‌ی سیاسی، کاوش‌های عقل عملی، نوشته‌ی آیت‌الله مهدی حائری، فرزند حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرجع عالی‌قدر، گفت: «تنها مرحوم ملا احمد نراقی و معدودی از پیروان او تا عصر حاضر، با یک مغالطه‌ی لفظی، حکم و حکومت، به معنای قضا و داوری، در دعاوی و فصل خصومات را، که در برخی از روایات آمده، به معنای حکومت و حاکمیت سیاسی و آیین‌کشورداری سرایت و تعمیم داده‌اند ... ولایت فقیه به معنی آیین‌کشورداری اساساً بدون پایه و ریشه فقهی است. معنای ولایت فقیه، آن هم مطلقه، این است که مردم همچون صغار و مجانبین حق رأی و مداخله و حق تصرف در اموال و نفوس و امور کشور خود را ندارند و همه باید جان‌برکف مطیع اوامر ولی فقیه و ولی امر خود باشند و هیچ شخص یا نهادی حتی مجلس شورا را نشناسند که از فرمان مقام رهبر سرپیچی و تعدی کند ... از سوی دیگر، جمهوری، که در مفهوم سیاسی و لغوی و عرفی خود جز به معنای حاکمیت مردم نیست، هر گونه حاکمیت را از سوی شخص یا اشخاص یا مقامات خاص به‌کلی منتفی و نامشروع می‌داند و هیچ شخص یا مقامی را، جز خود مردم، به عنوان حاکم بر امور خود و کشور خود نمی‌پذیرد.»

سخنان دلیرانه و پرشور دکتر شمس‌الدین امیرعلایی موجی از ابراز پشتیبانی را در حاضران برانگیخت و زن و مرد این پیرو راستین و همکار مصداق بزرگ را چون نگینی در میان گرفتند؛ و با فاصله‌ای کوتاه، نوار گفتار پیشوا،

که در نخستین سالروز قیام ملی سی تیر در یاد شهیدان و سپاس از ایرانیان ایراد شده بود، از بلندگو پخش گردید و هلهله‌ی اجتماع‌کنندگان را در پی آورد. سپس شمع‌های یک کیک بزرگ و دوازده کیک کوچکتر، که دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران به نشان یکصد و دوازدهمین سال زادروز پیشوا هدیه کرده بود، افروخته شد؛ و در همین هنگام، دوشیزه‌ای از وابستگان حزب ملت ایران با ارگ آهنگ سرود «ای ایران» را نواخت و گردآمدگان با این نوجوان آرمان‌خواه هم‌نوایی کردند؛ و بعد قطعه‌های کیک در میان حاضران پخش گردید. ساعت چهار بعد از ظهر، در حالی که بر چهره‌ی همگان نشانه‌های شادی و خشنودی نقش بسته بود، این یادواره‌ی شکوهمند پایان گرفت و گردآمدگان دسته‌دسته قلعه‌ی احمدآباد را ترک کردند.